



# دیوید کاپرفیلد

انتر چارلز دیکنز  
ترجمه ی محسن سلیمانی



{متن کوتاه شده}

## درباره‌ی نویسنده

چارلز دیکنز، داستان‌نویس نامی و واقع‌گرای انگلیسی، در سال ۱۸۱۲ میلادی در لندنپورت انگلستان به دنیا آمد. پدرش کارمند غیرنظامی اداره‌ی کارپردازی نیروی دریایی بود. چارلز دومین فرزند خانواده بود و پدرش غیر از او، هفت دختر و یک پسر دیگر هم داشت. چیزی که از همان ابتدا زندگی را به کام چارلز تلخ می‌کرد این بود که پدرش مرد بی‌خیال و بدهکاری بود که همیشه از آدم‌های ساده‌لوح پول قرض می‌گرفت و عاقبت هم کارش به زندان افتاد. خانواده‌اش یک چندی با گرو گذاشتن اسباب و اثاثیه زندگی کردند، ولی عاقبت آن‌ها هم به زندان رفتند

تا در کنار بزرگ خانواده‌ی خود، زندگی کنند.

خاطره‌ی تلخ دیگر چارلز، زمانی بود که خانواده‌اش در ۱۲ سالگی، او را از مدرسه در آوردند و به کارخانه‌ی واکس‌سازی فرستادند تا بلکه درآمدش، کمک خرج آن‌ها باشد. با این‌که چارلز چهار یا شش ماه بیش‌تر در این کارخانه کار نکرد، اما احساس حقارت آن روزها، تا آخر عمر، راحتش نگذاشت.

دیکنز چهارده سال داشت که پدرش، کار منشی‌گری در یک دفتر وکالت را برایش دست و پا کرد و چند سال بعد نیز، کاری کرد که او هم مثل خودش تندنویسی بیاموزد و گزارش‌های مجلس را برای یکی از روزنامه‌ها بنویسد. دیکنز در نوزده سالگی اخبار مجلس را برای روزنامه‌ی مرنینگ کرانیکل تهیه می‌کرد و ظاهراً سریع‌ترین و دقیق‌ترین خبرنگار روزنامه بود. در سال ۱۸۳۶، به دنبال

دو سال ماجرای عاشقانه‌ی ناموفق با ماریا، دختر مدیر کل یک بانک، بالاخره با کاترین هوگارت، دختر یکی از همکارانش ازدواج کرد که حاصل این ازدواج ده فرزند بود، هر چند که چارلز تا آخر عمر از سردی همسرش گله می‌کرد و می‌گفت کاترین اصلاً او را درک نمی‌کند.

شهرت اصلی دیکنز با رمان **نامه‌های پیک** و **یک آغاز** شد و رمان‌های بعدی او، طوری راه کسب شهرت و پول را برایش هموار کرد که چندی بعد، خانه‌ی بزرگی خرید و خدم و حشمی راه انداخت و روبه ولخرجی آورد. با این حال زیر دست و بال خانواده‌اش را هم گرفت. گو این‌که بعدها وقتی بدهکاری زیادی بالا آورد، مجبور شد زندگی متعادل‌تری را در پیش بگیرد.

همسر دیکنز هفت خواهر دیگر هم داشت و در طول زندگی دیکنز، دو تا از این خواهرها، با آن‌ها زندگی